

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزارها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
هر محنتی که بر سر ما می‌کني بکن
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
دیدم به پایداری من کس نمیرسد
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
باتو قمار عشق زدم، پاک باختم
پای امیدواری ما پر ز آبله ست
دل هم ز عشق‌بازی من سینه چاک شد
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
شب تا سحر به آتش غم گریه می‌کني
عشاق را ز بس که بدآموز کرده ای
نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت

ای صد هزار کشته فدای تو بارها
ما را به زلف خم به خم توست کارها
تا کی غم فراق کشم با فشارها
نی دست گفت و گوشت، نه پای فرارها
جای تو تا به عرش بود با وقارها
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
تاراج محنت تو شد این ملک بارها
آخر چه کار بود مرا با قمارها
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
میگفتمش ز عاقبت کار و بارها
رفت ز دست، مرتبه اعتبارها
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
قانع نمیشوند به بوس و کنارها
این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ربوده است

باشد «اسیر» در صف شب زنده دارها

(شهر بن - المان - اگست ۱۹۹۹ م)